



## حضرت زهرا(س) عزت انسانی را در فرهنگ مسلمانان نهادینه کرد

حجت الاسلام بابایی با اشاره به سیره تمدنی حضرت زهرا(س) گفت: آن حضرت عزت انسانی را در فرهنگ مسلمانان نهادینه کرد.

حجت الاسلام بابایی با اشاره به سیره تمدنی حضرت زهرا(س) گفت: آن حضرت عزت انسانی را در فرهنگ مسلمانان نهادینه کرد.

حجت الاسلام «حبیب الله بابایی» در گفت و گو با خبرنگار مهر، با بیان اینکه رویکرد تمدنی به حضرت فاطمه زهرا (س) را می توان در چند عنوان بازفهمی کرد، گفت: یکی از این مؤلفه های تمدنی در شخصیت حضرت زهرا (س) موضوع مظلومیت است.

مدیر مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: نماد مشروعیت و حقانیت در تمدن ها همیشه فلسفه و منطق نیست، بلکه نشان آن، گاه و غالباً پاکی های بدیهی و مظلومیت های آشکار است که نه فقط موجب جلب و جذب ایمان می شود، بلکه فهمی سهل و بسیط از حقیقت را موجب می شود، خشونت ها و کدورت ها را کم می کند، و همبستگی ها را متراکم تر می کند.

ستم بر دخت نبی اکرم (ص) و شکوه ها و ناله های آن یگانه بانوی عصمت در خانه های حزن اش، ته یک رخدادی در گذشته، بلکه واقعه ای در مقیاس یک تمدن بوده است و تاریخ هم تاکنون نتوانسته است از آن رهایی یابد. این بحث بسیار مهم تمدنی است و نباید به آن به عنوان یک موضوع ایدئولوژیک نگاه کرد.

وی ادامه داد: امروزه کسانی مانند «مرادخای کلپلان» و یا «رنه ژرار» که در پی نظم اجتماعی و پیوستگی انسانی و تمدنی می روند، در پی نقطه های «مظلومیت» در تاریخ خود می گردند و آن را نقطه عطف تمدنی می دانند تا بلکه بتوانند از آن رهگذر جامعه کوچک، خرد و شکننده را به جامعه ای بزرگ و به هم پیوسته تبدیل کنند. از همین نظر، در تجربه تاریخی بی عدالتی ها نیز، رنج دیدگان و ستم کشیده ها (مثلاً سپاهان آمریکا در رنج بردگی، و یا ژاپنی ها در تراژدی هیروشیما) ظلم های رفته بر خود را ته فراموش می کنند و ته آن را در زندگی ها و قلمروهای شخصی خود مخفی می دارند، بلکه از آن نقطه های سیاه، نقطه عطفی برای توسعه و توسعه انسانی خود می سازند.

این محقق افزود: پدیده های حزن انگیز در تاریخ ادیان و نقطه های اندوه در تاریخ اسلام و شگفتی های مظلومیت در تاریخ تشیع را هم می توان از همین منظر دید و آن را در مقیاس کلان انسانی درک کرد. ستم بر دخت نبی اکرم (ص) و شکوه ها و ناله های آن یگانه بانوی عصمت در خانه های حزن اش، ته یک رخدادی در گذشته، بلکه واقعه ای در مقیاس یک تمدن بوده است و تاریخ هم تاکنون نتوانسته است از آن رهایی یابد. این بحث بسیار مهم تمدنی است و نباید به آن به عنوان یک موضوع ایدئولوژیک نگاه کرد.

حجت الاسلام بابایی همچنین علاوه بر بحث مظلومیت، به موضوع شهادت و جایگاه تمدنی آن در ادیان ابراهیمی به ویژه اسلام اشاره کرد و گفت: شهادت از عناصر پیوستگی و وحدت زا در تمدن اسلامی بوده است که نمونه آن را در پیامدهای عاشورا در تمدن اسلامی از یک سو و استمرار خون خدا و آثار حیات بخش آن در تاریخ بشر از سوی دیگر می توان دنبال کرد.

وی تاکید کرد: اساساً نمودار پیوستگی در امت اسلام رابطه تنگاتنگی با نمودار خون های پاک و مقدس شهیدان در گذشته تمدن اسلامی داشته است. انقلاب اسلامی در ایران نیز سرآغازی بود برای شکل گیری تراکم جدیدی از خون های خدا (از خون امت های عالم همچون شهیدان بهشتی و مطهری و باهنر گرفته تا خون امت های مجاهد همچون شهیدان خرازی، باکری، زین الدین، و سلیمانی) که هر یک از آنها ترک های جدیدی در نظام سلطه بوجود آورده و باورهای تازه و چشم انداز نویی را در میان امت بزرگ اسلام موجب گشته است.

این محقق با اشاره به حماسه ای که شهادت سردار قاسم سلیمانی به عنوان یکی از شاگردان مکتب حضرت زهرا (س) در ایران ایجاد کرد، گفت: امروز مثال عینی این همبستگی و پیوستگی اجتماعی برآمده از شهادت را می توان در شهادت سردار سلیمانی و پیامدهای وحدت بخش آن دید، آن هم ته فقط در میان ایرانیان بلکه در میان امت اسلام و

جهان مقاومت مشاهده کرد. بنابراین موضوع دوم که تمدن‌ها از آن متأثر می‌شوند موضوع خون و شهادت است که در اسلام یکی از نقطه‌های عطف آن، شهادت حضرت زهرا (س) بود که توانست الگویی از شهادت و مقاومت را برای نسل‌های مسلمان ایجاد کند.

اندوه خدا در مقیاس خود خدا ظاهر می‌شود، همه تاریخ و همه هستی را غم بار می‌کند و حسرت‌های پیوسته و لاینقطعی را در جهان خلق به بار می‌آورد؛ بی‌شک این اندوه عمیق الهی همواره در دل‌ها می‌ماند تا زمانی که اراده الهی از آستین بقیه الله (عج) برآمده و ستم‌های رفته را تلافی کند و بهشتی از عدالت و محبت بیافریند.

مدیر مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: موضوع دیگری که در ادامه بحث شهادت و مظلومیت می‌توان دنبال کرد مساله محبوبیت است. محبت اجتماعی و جامعه‌محبان و همین‌طور اقتدار خوبی یکی از نقطه‌های جهش و جنبش تاریخی و تمدنی است که باید آن را جدی گرفت.

این پژوهشگر اظهار کرد: تلقی من این است که از نقطه‌هایی که دست کم در تاریخ اسلام اهمیت داشته و برای جامعه شیعی ما در واقع انسجام ایجاد کرده محبوبیت حضرت زهرا (س) است که نه فقط انسجام اجتماعی بلکه نوعی از ترقی و تربیت روحی را هم موجب شده است که این محبوبیت شخصیت حضرت زهرا (س) حاصل مظلومیت، معصومیت، شهادت، و البته زن بودن آن بانوی بزرگ بوده است که برای ایشان در طول تاریخ اقتدار تمدنی ساخته است.

حجت الاسلام بابایی ادامه داد: از جمله نکات تمدنی دیگر در شخصیت حضرت زهرا (س)، موضوع عزت است. در مقایسه میان موضوع کرامت و عزت، باید توجه داشت که اساساً کرامت انسانی به ارزش حداقلی انسان‌ها اشاره دارد. کرامت انسانی یک امر فردی است، اما موضوع عزت امری اجتماعی است و برای همه افراد حاصل نمی‌شود. هر میزان عزت انسان بیشتر می‌شود نقش آفرینی اجتماعی او نیز بیشتر خواهد شد. یکی از ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (س) و آثار اجتماعی و تمدنی آن دقیقاً همین عزت انسانی است که در مقابله با ظلم و تعدی و تحقیر به وجود آمده و در فرهنگ مسلمانان نیز نهادینه کرده است.

این پژوهشگر تصریح کرد: نکته دیگر تمدنی که باید در شخصیت حضرت زهرا (س) دنبال کرد، موضوع کوثر بودن ایشان است. در بحث‌های تمدنی همواره تراکم خیرات و انباشت خوبی‌ها جوامع را به سمت و آستانه‌های تمدن نزدیک تر می‌کند. در مورد حضرت زهرا (س) این کوثر بودن در خیر و نیکی هم در کمیت نیکی‌های به یادگار مانده از آن حضرت و هم در کیفیت این خیرات قابل مشاهده و مطالعه است.

وی با اشاره به اهمیت مسئله خلوص انسان‌ها و آثار تمدنی آن گفت: اساساً از منظر اسلامی و عرفانی هر میزان کنش‌گران تمدنی تقرب الی الله داشته باشند، مانایی کنش‌های آنها در صحنه‌های کلان تمدنی بیشتر و بیشتر خواهد بود.

حجت الاسلام بابایی با اشاره به حدیث «قرب فرایض و قرب نوافل»، و اینکه رضایت حضرت فاطمه (س) رضایت خدا و غضب فاطمه (س) غضب خدا و اندوه او هم اندوه خداست، گفت: اندوه خدا در مقیاس خود خدا ظاهر می‌شود، همه تاریخ و همه هستی را غم بار می‌کند و حسرت‌های پیوسته و لاینقطعی را در جهان خلق به بار می‌آورد؛ بی‌شک این اندوه عمیق الهی همواره در دل‌ها می‌ماند تا زمانی که اراده الهی از آستین بقیه الله (عج) برآمده و ستم‌های رفته را تلافی کند و بهشتی از عدالت و محبت بیافریند.

وی در پایان اظهار کرد: آنچه در این کلام اهمیت دارد ایجاد ارتباط بین انسان و خدا و وجود آثار خدایی برای فعل انسانی است. هر میزان افعال انسانی صبغه الهی پیدا می‌کند قلمرو اثرگذاری و ماندگاری آن بیشتر و بیشتر می‌شود. با عطف توجه به این نکته، هر میزان خدایی و الهی بودن کارها و کنش‌ها بیشتر شود، برکت، توسعه، و موج آفرینی آنها نیز بیشتر خواهد بود و به آستانه‌های شکل‌گیری امت نزدیک تر خواهد شد و البته همین مساله نیز یکی از اسرار اثرگذاری حضرت زهرا (س) در تاریخ اسلام و در شکل‌بندی نظام انسانی در تمدن اسلامی بوده است.